

## روشنگری یا دیوانگی

جمشید قراجه داغی دسامبر ۲۰۱۵

فاجعه کشتار کالیفرنیا انگشت به روی نکته ای غم انگیز گذاشته است

**چه انگیزه و نیروئی میتواند مادر و پدری را به این دیوانگی بکشاند که بچه ششماهه خود را رها سازند و برای کشته شدن و کشتن دست به این جنایت احمقانه بزنند؟!**

این حماقت فقط از عهده مکتبیان مومنی بر میآید که خود را از زحمت تفکر رهانیده اند و در جلب رضایت خدائی که ۱۴۰۰ سال پیش آنان را به جهاد و شهادت دعوت میکند و وعده بهشت میدهد از هیچ دیوانگی ابائی ندارند.

واقعیت اینستکه در میان هزاران آیه قران تعداد آیاتی که مومنین را به جهاد و خشونت و دشمنی با کافران، مشرکین و منافقین دعوت میکند کم نیست. ولی این واقعیت را هم نمیشود انکار کرد که این آیه ها در پیروزی مسلمانان در جنگهای بعد از هجرت پیامبر به مدینه نقش کلیدی داشتند. بهمین دلیل "شان نزول" آیات قران در همه حال متناسب و جوابگوی شرائط و الزامات زمان و مکان آن بوده است. در واقع تنها با آگاهی از شان نزول هر آیه است که میتوان به مفهوم واقعی آن پی برد. خلفای اول و دوم اسلام، ابوبکر و عمر، دستورات قران را فقط برای زمان پیامبر حادث و صادق میدانستند و بهمین دلیل حتی از جمع آوری قران اجتناب ورزیدند، ولی عثمان خلیفه سوم، برخلاف اندو براین باور بود که دستورات قران ابدیست و برای همه زمانها و مکانها صادق است و برای برقراری این برداشت ترتیب نزول آیه ها را هم بهم ریخت و با این کار نه تنها آیات مکی و مدنی را در هم آمیخت بلکه به قصد شان نزول تمام آیات را هم از میان برداشت تا بهانه ای برای حادث بودن قران وجود نداشته باشد.

این روزها معتقدین به اسلام رحمانی که در عین حال به ابدی بودن دستورات قرانی که توسط عثمان تنظیم یافته است باور دارند بسرگیجه دچار شده اند و سعی میکنند که به بهانه غامض بودن ادبیات عرب با سرپوش و انکار یا تفسیرهای ماله کشی شده، این آیه ها را که شان نزولشان بهم خورده با اسلام رحمانی مورد نظر خود سازگار سازند. ولی از طرف دیگر مسلمانان مکتبی که بزبان عربی تسلط دارند ترجیح میدهند کلام خدای خود را که ابدیست بدون واسطه

بزبان اصلی ان بخوانند و انرا بهمان صورت که ۱۴۰۰ سال پیش نازل شده است باور کنند.

ولی این روزها گرفتاری اساسی این دنیای بهم پیوسته و آسیب پذیر ما در اینست که چگونه میتوان با هیولائی جنگ طلبی که مدتها در خواب بوده است، و با اشتباه محاسبه بعضی ها، بیدار شده و زندگی بسیاری از انسانها را بخاک و خون کشانده است مقابله کرد و صدمات احتمالی انرا به حداقل رساند. متاسفانه با توجه به آنچه این روزها میگذرد نمیتوان نتیجه گرفت که دست اندرکاران راه حل موثری برای این مشکل یافته باشند. به این دلیل شاید آگاهی از این نکته ای از "تفکر سیستمها" بتواند در این زمینه کارساز گردد:

**"شکست ما بخاطر ناتوانی در یافتن جواب به مسئله ای که با آن روبرو میشویم نیست بلکه بخاطر اشتباه در تشخیص و انتخاب صورت مسئله ایست که با آن درگیر شده ایم."** شاید مشکل ما هم در یافتن جوابی برای مقابله با این گروه از مومنان مجاهد اشتباه در تشخیص مسئله باشد.

فرض متداول بر این باور استوار است که این افراد تحت تاثیر گروهی رادیکال از راه راست منحرف شده اند و رفتار آنان ربطی به اسلام ندارد. در صورتیکه رفتار این مومنین منحرف شده مستقیماً از ایه هائی که ۱۴۰۰ سال پیش به پیامبر اسلام نازل شده است سرچشمه میگیرد. برخلاف گفتمان رایج راه نجات این گمراهان از سرنوشت مختم خود و قربانیان معصوم شان نه در دشمنی با اسلام و نه در انکار وجود این ایه هاست زیرا که این مومنین خود این ایه ها را در قران خوانده اند و انکار انها را از سر نادانی میدانند. شاید که راه حل دیگر ما در کوشش برای آگاه کردن و قبولاندن این واقعیت باشد: **که هیچ پدیده ای مستقل از شرائط زمان و مکان و بستر محیطی ان صادق نیست.** و این آیات در شرائط خاصی که پیامبر اسلام برای استقرا دین خود در مقابله با مخالفان به انها احتیاج داشته است نازل شده اند و ربطی به شرایط امروز ندارند. البته که این برداشت بی احترامی به کتاب مقدس نیست زیرا با نگاهی به تورات و انجیل نیز میتوان به اسانی آیات مشابهی را در هر دو این کتابهای مقدس یافت زیرا که انها نیز در زمان خود با شرایط مشابهی برای برقراری پیام همان خدای واحد با مخالفانشان مواجه بوده اند. فراموش نکنیم که در اصل این سه مذهب ابراهیمی از يك منبع سرچشمه گرفته اند و قسمت عمده انجیل و قران تکرار داستانهای تورات است. بنظر میرسد که اختلاف اصلی در این میان در غربی یا شرقی بودن برداشتها از کتابهای مقدس باشد. از قرار دانایان غربی بعد از رنسانس و روشنگری به این نتیجه رسیده اند که دستورات کتاب مقدس شان "حادث" است و برای شرائط خاص زمان و مکان معین نازل شده است و ربطی به زمان حاضر ندارد ولی متاسفانه دانایان شرقی، مخصوصاً مسلمانان خاور

میانه ای، بر این اعتقادند که دستورات کتاب مقدسشان "باقی" است و مستقل از زمان و مکان برای تمام دوران ها نازل شده است. طنز قضیه در این است که رنسانس اسلامی، هشتصد سال قبل از رنسانس غربی، در قرن دوم هجری، زمان خلافت مامون خلیفه عباسی اتفاق افتاد، مامون که تحت تاثیر بوعلی سینا و فلسفه معتزله قرار گرفته بود این واقعیت را پذیرفت که پدیده ها فقط در شرایط محیطی و زمان و مکان خاص خود صادق هستند و با این برداشت بنیانگذار تمدن اسلامی کردید. متاسفانه این دیدگاه هر چند خوش درخشید ولی بیش از دو قرن پایدار نماند و با ظهور اشعریون که دستورات قران را ابدی میدانند و قبول فلسفه تقلید امام محمد غزالی که معتقد بود "حقیقت بقدری تلخ است که عوام حق دانستن انرا ندارند" به دشمنی با بعد دانائی و در نهایت توانائی پرداختند و با کشتار طرفداران معتزله سقوط تمدن اسلامی را تضمین کردند.

متاسفانه در دو سده اخیر، يك جنبش احیاءگری اسلام سیاسی ( جمال الدین اسد ابادی، اخوان مسلمین و فدائیان اسلام ) با احساس تفاخر که دگرگونی را نه تنها لازم بلکه ناپسند میدانند، با زور و ارباب فرهنگی، در پی پاک کردن جهان اسلام از عوارض روشننگری و جلوگیری از نفوذ مدرنیته و تهاجم فرهنگ غرب بوده است. این حرکت برتری طلب، در ائتلافی نانوشته با چپ ضد امپریالیست، اسلام سیاسی را بیک جنگ دون کیشوتی با غرب کشانده است که متاسفانه با محاسبه غلط دولت کارتر، با پیروزی در دو واقعه شکفت انگیز یعنی عقب نشینی ارتش شوروی در مقابله با مجاهدین افغان و موفقیت انقلاب اسلامی در ایران حیاتی تازه یافته است.

از اثرات این دو معجزه است که به چرای ظهور ناگهانی "بن لادن ها" و "البغدادیها" و دیگر گروه های مختلف مجاهدین اسلامی پی میبریم. زیرا اگر چند هزار مجاهد افغانی با پول و مکتب سعودی و اسلحه امریکائی بتوانند در مقابله با اتحاد شوروی موفق شوند و انرا بعقب نشینی وادارند، اگر خمینی بتواند در ایران سکولار، مدرن و دارای مجهزترین ارتش در خاور میانه، حکومت اسلامی بر قرار کند، چرا جهان اسلام نتواند با استفاده از جهاد و شهادت طلبی مومنین خود، مقابل تهاجم فرهنگی غرب بایستد و مدرنیته را به عقب نشینی وا دارد. تسخیر سفارت امریکا توسط دانشجویان خط امام، صدور انقلاب اسلامی به لبنان و غزه، حمایت از اسد در سوریه و شیعیان یمنی، بالاخره دشمنخوئی و امریکا ستیزی خامنه ای دنباله همین برداشت اسلام سیاسی است. اصلاح طلبانی که جز این میپندارند اب در هاون میکوبند و آتش بیار معرکه ای شده اند که خود از قربانیان بعدی ان خواهند بود.

بهمین دلیل تا زمانیکه پیشتازان موفق نهضت احیای اسلام سیاسی ( حکومت شیعه اسلامی در

ایران و حکومت سنی اسلامی در عراق و شام) بسرنوشت شومی که در انتظارشان است دچار نشده اند مبارزه با " تروریسم عقیدتی اسلامی " ره به جائی نخواهد برد

در خاتمه حیفم آمد شمارا در اظهار نظری جالب نویسنده ای با نام مستعار "الیسون فورد" که در سایت گویا در جواب به نوشته آقای ف.م. سخن تحت عنوان " تخیلاتی به نام اسلام غیر حکومتی و اسلام رحمانی " گذاشته بود سهیم نکنم

"جنبش صدر اسلام نه قران داشت، نه حدیث ، نه شرعیه، ، نه اخوند. شهادت به خدای واحد و پیامبر او برای مسلمانی کافی بود. امروز هم برای رستگاری نیازی به جهاد و شرعیه نیست و اسلام بدون جهاد و شرعیه همان اسلام صلح و دوستی است که پدران و مادران ما داشتند."